کد خبر: ۲۹۴۵۴۶
چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴ ۱۲:۴۶

گزارش رصد فرهنگی (۹۷)

زیست جهان موازی: قوام‌یابی نظم اجتماعی در ایران دیجیتال

گزارش نودوهفتم مرکز رصد فرهنگی به مثابه یک کاوش عمیق کوتاه مدت و با اتکا به روش‌شناسی «تحلیل کیفی چندوجهی متمرکز با حساسیت مردم‌نگارانه» کوشیده به تا در منطق درونی و سازوکارهای حیاتی این نظم نوظهور در نیمه دوم شهریور ۱۴۰۴ پرداخته است.

این پژوهش با عزیمت از مشاهده یک گسست ساختاری در جامعه معاصر ایران، به تحلیل پدیده‌ای می‌پردازد که از آن با عنوان زیست جهان موازی» یاد می‌کند. شواهد تجربی متعددی، ازجمله پیمایش‌های ملی، از فرسایش مستمر و معنادار مرجعیت فرهنگی و اقتدار نهادی ساختارهای رسمی حکایت دارند؛ وضعیتی که پرسشی بنیادین را در باب چگونگی تداوم تولید و بازتولید نظم اجتماعی پیش می‌کشد. این گزارش بر این فرضیه استوار است که در خلأ ناشی از این افول، یک نظم اجتماعی موازی در بستر زیست‌جهان دیجیتال در حال قوام یافتن است که کارکردهای حیاتی یک جامعه، از مبادلات اقتصادی و اعتمادسازی گرفته تا هنجارسازی فرهنگی و تنظیم‌گری سیاسی را به شیوهای غیررسمی به انجام می‌رساند. این «زیست جهان موازی» نه یک فضای گفتمانی صرف، بلکه یک ساختار اجتماعی یکپارچه است که در آن، انرژی اجتماعی، به جای بازتولید ساختارهای رسمی، به سوی آن هدایت می‌شود.

گزارش حاضر استدلال می‌کند که کاهش مرجعیت فرهنگی، زمینهٔ پیدایش این نظم اجتماعی موازی را فراهم آورده است. واقعیتی که در مطالعات گوناگون به ثبت رسیده و تنها یک ادعای نظری نیست. در مقابل، ظهور یک ساحت دیجیتال گسترده-که بر اساس گزارش «دیتاک» ۱۴۰۳)، میزبان حدود ۵۹ میلیون کاربر منحصربه فرد در اینستاگرام و تلگرام و بیش از دو میلیون کسب وکار است-این پرسش تحلیلی را پیش می‌کشد که آیا این فضا تنها یک ابزار ارتباطی است یا زیرساخت یک نظم اجتماعی نوین؟ برای ردیابی کمّی این کاهش روند. گزارش با اتکا به داده‌های طولی «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» یک نمونه گویه را از طریق «شاخص مرجعیت فرهنگی» ارائه می‌دهد . این شاخص که میانگین اعتماد به چهار نهاد کلیدی (صداوسیما، مطبوعات، روحانیت، دولت) را اندازه‌گیری می‌کند، به عنوان یک نمونه گویا، روایتی از نوسان مقطعی و سقوط ساختاری را آشکار می‌سازد: این مرجعیت از سطح متوسط ۴/۳۲درصد در سال ۱۳۸۲، پس از یک جهش به ۴۶۸۷درصد در سال ۱۳۹۴، سرانجام به سطح بسیار نازل ۵/۲۴درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. هم‌زمان کمرنگ شدن نقش مرجعیت‌های فرهنگی سنتی، خلأیی از معنا و اعتبار گشوده که این زیست‌جهان نوظهور اکنون در حال پر کردن آن است.

نقطه عزیمت این تحلیل، با مشاهده یک گسست ساختاری در جامعه معاصر ایران آغاز می‌شود که شواهد تجربی متعددی بر آن گواهی می‌دهند. گسستی که منجر به فرسایش عمیق و مستمر مرجعیت فرهنگی و اقتدار نهادی ساختارهای رسمی شده است. این وضعیت که در پیمایش‌های ملی متعددی به آن اشاره شده است (برای نمونه رجوع کنید به موج چهارم گزارش ارزش‌ها و نگر ش‌های ایرانیان (۱۴۰۲) و یا گزارش ایران در آینه شاخص‌های جهانی فرهنگ (۱۴۰۳))، پرسشی بنیادین در باب امکان تداوم نظم اجتماعی را پیش می‌کشد. بر اساس یک اصل کلاسیک در نظریه علوم اجتماعی، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در خلأ هنجاری و فقدان کامل مراجع معنابخش به حیات خود ادامه دهد (دورکیم، ۱۸۹۵) و فروپاشی ساختارهای پیشین، به ناچار زمینه تکوین صورت‌بندی‌های بدیل را فراهم می‌آورد. این گزارش بر این فرضیه تفسیری استوار است که می‌توان نشانگان قوام‌یابی چنین نظم

موازی و غیررسمی‌ای در بستر زیست جهان دیجیتال ردیابی کرد. فضای یکه بر اساس گزارش سالانه دیتاک با میزبانی از حدود ۵۹ میلیون کاربر منحصر به فرد در اینستاگرام و تلگرام و بیش از دو میلیون کسب‌وکار آنلاین، به نظر به زیر ساخت اصلی حیات اجتماعی بدل شده و کارکردهای حیاتی یک نظم را در غیاب یا تقابل با نهادهای رسمی به عهده گرفته است.